

۱۱۴ - اشارات و بشارات شیخ احسائی و رمز سر التنکیس

و از حضرت بهاء الله در کتاب اقدس است قوله الابهی قد ظهر سر التنکیس لرمز الرئيس طوبی لمن ایده الله على الاقرار بالسته التي ارتفعت بهذه الالف القائمه الا انه من المخلصين کم من ناسک اعرض و کم من تارک اقبل و قال لك الحمد يا مقصود العالمين ان الامر بيد الله يعطى من يشاء ما يشاء و يمنع عن من يشاء ما اراد يعلم خافية القلوب و ما يتحرك به اعين اللا مزين کم من غافل اقبل بالخلوص افعدناه على سير القبول و کم من عاقل رجعناه الى النار عدلا من عندنا انا كنا حاکمین .

و از آنحضرت لوحی است قوله الاعلی هو الدائم بلا زوال کتاب آنجناب لدى العرش حاضر و بانوار ملکوت مشاهده و بیان فائز حمد کن محبوب عالم را که باشراقات صبح قدم منور و از اهتزازات نفحه کلمة اولیه مهتز گشته و بسته ثانیه بعد از الف قائمه که مشعر بر انطواء سته اولیه بود عارف شده اید این است مقامی که جناب احمد احسائی علیه بهاء الله از آنخبر فرموده قوله الواو ثلاثة احرف سته و الف و سته و قد مضت سته الايام و الالف هو التمام و لا کلام فکیف سته الايام الاخر و الا لما حصل العود فانه سر التنکیس لرمز الرئيس فان حصل من الغير الاقرار بالسته الباقیه ثم الامر بالحجة و ظهر السر الاعظم الى اخره سته اولیه اشاره بسموات کور قبل است که در سته ایام خلق شده و قد مضت ای طویت بالالف القائمه التي هي النقطة ثم ارتفعت سته اخرى بظهور اسى الابهی كذلك ينبئک العليم الخبير و به ظهر سر التنکیس لان علم الرئيس قد نصب على كل باذخ رفيع كذلك جعلنا اعلامهم اسفلهم و اسفلهم اعلامهم طوبی للعارفين ای ناظر الى الله بیانی که در اینمقام فرمودند احدی تا حین ادراک نموده و از ائیم کرمانی مخصوصا سؤال شد که تفسیر نماید و عند عجز نفس خود از مطلع علم سؤال کند قد اخذه الغرور و الاستکبار على شان منع عن عرفانه الى ان رجع الى مقره ان ربک لهو العادل الحکیم و مقصود از آن همین فقره بوده به ظهر کل امر برز کل سر و لاح کل مکتوم و انتهى کل ظهور و ختم لوح مبین نسأل الله ان يوفق الكل على ما ينبغي لهذا الظهور الذى به تشتت الترتيب و تفرقت الاوهام المجتمعة فى الرؤوس و زلت ارجل المستقيمين .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی اما در فقره عباراتی که منسوب بجناب شیخ احمد احسائی علیه بهاء الله بوده اصل آن عبارات را یکی از شیخیه نوشته و در عراق سؤال نموده چند محل آن مغلوط مشاهده شد و لكن التفاتی بتصحيح آن نشد بعینه همان عبارات کاتب نقل شد چنانچه در لوح میر کریم خان هم اشاره باین بیان هست یک از فقرات آن ذکر میشود لتوقن ان ربک لهو العلام العليم الواو ثلاثة احرف سته و الف و سته و قد مضت سته الايام این اشاره بخلق سموات و ارض است فى سته ایام میفرماید که آنخلق منتهی شد و الف بین واوین دلیل است بر تمامیت سته اولی و آن الف مقام قیام قائم است چنانچه ظاهر شد و واو اخرى اشاره بخلق سموات بدیعه است بظهور قیوم فى سته ایام اخر و بعد از ظهور اینمقام سر تنکیس مشاهده میشود لرمز الرئيس كما سمعت يجعل اعلامهم اسفلهم مقصود آنکه مضت ما خلق فى سته ایام و انتهت

بالالف القائم بين الحرفين و ارتفعت في ستة ايام اخرى ما ارتفع من قبل اذا يتبدل الامور كلها كما رايت و عرفت كذلك ثم الامر بالحجة وظهر اسم الاعظم بين البريه له الحمد على ذلك درين ايام قلم اعلى بتفسير متوجه نه يجب ان ينطق في كل الاحيان انه لا اله الا انا المقتدر العزيز المنان ايندو كلمه هم لاجل آنجناب من غير سئوال نازل شد و في الحقيقه بهمين دو كلمه جميع عبارات شيخ تفسير شد و مقصود از ذكر او در لوح مير كريم آن بوده كه شايد عجز خود را مشاهده كند و از حق سئوال نمايد و لكن از كبر و غرور مع عجز نفس استفسار ننمود و توجه نكرد الا انه من الخاسرين جميع شيوخه بقول خود كه در عراق ذكر نمودند عاجز شدند از معنى آن حتى مذكور نمودند كه خدمت سيد مرحوم هم عرض نمودند و ايشان هم ستر فرموده جوابي اظهار نداشتند كذلك قصصنا لك ما اردناه ان ربك لهو العليم الحكيم .

و در لوحی دیگر قوله الاعز و اینکه سئوال نمودی از سر تنکیس لرمز الرئيس در اول ظهور ملاحظه نمائید شیخ محمد حسن نجفی که قطب علمای ایران بود و سائر علمای نجف و ارض طف و بلاد ایران بعد از ارتفاع كلمه و اظهار امر کل محجوب و ممنوع مشاهده گشتند از بحر بیان رحمن محروم و از آفتاب دانش بیخبر بلکه بر منابع بسب و لعن مشغول جوهر وجودی را که در قرون و اعصار لقایش را سائل و آمل بودند عند ذکر اسمش عجل الله میگفتند ردش نمودند و بالاخره بر سفک دم اظهار فتوی دادند و لكن نفوسی از عوام اقبال نمودند و از بحر علم الهی نوشیدند و بافق اعلى راه یافتند و در يوم ارتفاع صرير قلم اعلى بکلمه لبیک فائز گشتند كذلك جعلنا اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم این است سر تنکیس لرمز الرئيس .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابي است قوله العزيز هو البهي الابهى الحمد لمن تعالى بجوهر ذاته عن وصف الممكنات و تقدس بساذج حقيقته عن نعت الكائنات الذی اقام الواحد بين الستين و اظهر الايام الاخر بعد انقضاء الطاء من ظهور النقطة .

و در خطابي بمعاون التجار نراق قوله المجيد قد ظهر سر التنکیس لرمز الرئيس این اشارت بعبارت حضرت شیخ احسائی است که در اخبار بظهور میفرماید سر التنکیس لرمز الرئيس این دو معنی دارد یکی سر نگوئی یعنی انقلاب عظیم حاصل میشود اعلاکم ادناکم میشود و معنی ثانی مقصد تغییر شدید است یعنی جميع آثار و احکام و وقایع از انقلاب و نسخ و تبدیل و تغییر و وقایع عظیمه که در ظهور قبل گردید دوباره عود مینماید طابق النعل بالنعل .

و در خطابي دیگر سئوال از كلمه مبارکه قد ظهر سر التنکیس نموده بودید از عبارات شیخ احمد مرحوم است و در تفسیر این رساله مرقوم شده و هنوز سواد نگردیده انشاء الله سواد میشود و انتشار مییابد .